

(۲)

اهمیت دیدگاه اسکاچپول و ایدئولوژی و رهبری در انقلاب اسلامی ایران

ناصر هادیان *

این بحث دو هدف اصلی را دنبال می‌کند: نخست، معرفی هر چند اجمالی نظریه خانم ندا اسکاچپول، دوم، بررسی اهمیت، نقش و کارکرد عنصر ایدئولوژی و رهبری در انقلاب اسلامی.

مشخصات کلی تحلیل اسکاچپول درباره چرایی وقوع انقلابهای اجتماعی به شرح زیر است:

۱- اسکاچپول قائل به برتری تحلیلهای ساختاری نسبت به تحلیلهای اراده گرایانه و غیر ساختاری است. به نظر او انقلابها بر اساس يك نقشه از پیش طراحی شده ساخته نمی‌شوند. انقلاب يك اقدام جمعی آگاهانه نیست بلکه محصول تلاقی تصادفی يك سری عوامل ساختاری است.

۲- اسکاچپول بر استقلال دولت از طبقات اجتماعی تأکید می‌ورزد. به نظر وی دولت سازمانی است واقعی برخوردار از نیروهای قهریه و اداری که منافع خاص خود را دارد و بر اساس آن منافع در اعمال و رفتار منطبق خاصی را دنبال می‌کند.

۳- اسکاچپول در تحلیل خود به اوضاع بین‌المللی می‌پردازد.

الف - او نظریه نظام جدید جهانی والرس‌تین را می‌پذیرد و ادعا می‌کند که انقلابها مشخصاً در مراحل انتقالی (مثلاً انتقال از پیرامون به شبه پیرامون) رخ می‌دهند.

ب - اسکاچپول بر خلاف والرس‌تین برای عوامل سیاسی استقلال بیشتری قائل است و استدلال می‌کند که رابطه بین دولتها منطبق خاص خود را دارد و این رابطه محدودیتها و فرصتهایی را ایجاد می‌کند که در وقوع انقلابها بسیار مؤثر است.

ج - عامل دیگر در تحلیل او، برهه تاریخی جهانی است. به نظر اسکاچپول انقلابها زمانی رخ می‌دهند که پیش از آن نمونه‌هایی رخ داده باشند.

تلفیق اسکاچپول

اسکاچپول تلفیق خاصی از سه جنبه فوق ارائه می‌دهد که مختص خود اوست.

او معتقد است که انقلابها تنها در دیوانسالاریهای کشاورزی، در صورت گرد آمدن شرایط لازم برای انقلاب، روی می‌دهند.

۱ - نخستین پیش شرط وقوع انقلاب بحران سیاسی دولت است. در این جوامع، دولتها تحت فشار شرایط بین‌المللی ناگزیر به نوسازی مبادرت می‌ورزند، اما چون افراد در رده بالای اداری، لشکری و کشوری از طبقه فئودال هستند، منابع مالی برای نوسازی را نمی‌توان از آنها تأمین کرد. دهقانان نیز تا حد مرگ استثمار می‌شوند و تجار نیز گروهی کوچک و فاقد منابع گسترده مالی هستند. در نتیجه دولت دچار بحران می‌شود.

۲ - پیش شرط دوم، شورش از پایین است. اسکاچپول می‌گوید عامل تعیین کننده در شورش از پایین، ساخت داخلی روستاست. در برخی مناطق که کل روستا به عنوان یک واحد تولیدی است، محسوب می‌شود و خان مسئول آن. این نوع ساخت به نوعی استقلال نسبی روستا می‌انجامد و در چنین ساختی است که دهقانان بخوبی در می‌یابند که ارباب دشمن مشترکشان است و این وضع زمینه را برای شکل‌گیری شورشی دهقانی

مساعد می‌سازد. عامل دیگر در ظهور شورشهای دهقانی نیروی سرکوب خان است. اگر خان برای سرکوب به نیروی دولت مرکزی وابسته باشد، احتمال شکل‌گیری شورش دهقانی گسترده‌تر زیاد می‌شود.

۳- شرط سوم وجود نخبگان حاشیه‌ای است. آنها به سبب دیدگاه ملی خود می‌توانند جنبشهای محلی دهقانی را در سطح ملی سازمان دهند و با سقوط رژیم حاکم، از جمله دولت سازان رژیم جدید باشند.

به نظر اسکاچپول جمع این سه شرط خبر از آمدن انقلاب می‌دهد. انقلاب ربطی به تصمیم آگاهانه افراد یا گروهها ندارد و این تلاقی تصادفی شروط مذکور است که انقلابها را به دنبال خود می‌آورد، انقلابها ساخته نمی‌شوند، انقلابها می‌آیند.

نظریه اسکاچپول و انقلاب اسلامی ایران

وقوع انقلاب اسلامی ایران، اسکاچپول را به برخی تجدید نظرها در نظریه‌اش واداشت. برخی ویژگیهای انقلاب اسلامی ایران که با نظریه اسکاچپول ناسازگارند عبارتند از: انقلاب ایران آگاهانه ساخته شد. این انقلاب در جامعه‌ای غیرکشاورزی روی داد زیرا بیشتر جمعیت کشور در سالهای وقوع انقلاب در شهرها متمرکز بودند. ناهمخوانیهای مذکور موجب شد که اسکاچپول تغییر قابل ملاحظه‌ای را در نظریه‌اش اعمال کند. با وجود این، جوهره ساختاری نظریه وی همچنان حفظ شده است. وی هنوز ادعا می‌کند که بحران سیاسی دولت پیش شرط وقوع انقلاب است، اما این بار مسأله را به نحو دیگری توضیح می‌دهد.

در ایران، دولت محمدرضا با اتکا به درآمدهای نفتی تا حد زیادی از طبقات اجتماعی مستقل بود. به همین دلیل، دولت چندان نیازمند مساعدت طبقات اجتماعی نبود. این وضع رفته‌رفته به کاهش مشروعیت دولت انجامید. درآمدهای نفتی گرچه استقلال دولت را افزایش می‌داد، اما ضربه پذیری آن را نسبت به نوسانات قیمت نفت بیشتر می‌کرد.

همچنین اسکاچپول شاهد آن بود که بر خلاف مدل اولیه وی، انقلاب ایران در شهرها شکل گرفته بود. پس باید توضیح می‌داد که در کدام نوع از جوامع شهری انقلاب

روی می‌دهد. در اینجا می‌کوشد، مفهوم استقلال روستاها را که در نظریه‌اش مطرح کرده بود به نحوی در مورد شهرهای ایران بازسازی کند. مطابق استدلال وی بافت خاص بازار نوعی استقلال نسبی از دولت داشت. این حوزه که دولت نتوانسته بود کاملاً در آن نفوذ کند عرصه‌ای بود که می‌توانست منشأ شورش باشد.

مهم‌ترین ویژگی انقلاب ایران که اسکاچپول را به تجدید نظر در نظریه‌اش واداشت، اهمیت نقش عنصر ایدئولوژی و رهبری در بسیج مردم و شکل‌گیری انقلاب اسلامی بود. با وجود این، این بار نیز چون موارد دیگر تحلیلی ساختاری از ایدئولوژی ارائه می‌کند. وی استدلال می‌کند که ایدئولوژی‌های وارداتی نمی‌توانند در شکل‌گیری انقلابها نقشی ایفا کنند. او می‌گوید تشیع قرن‌ها در تاریخ ایران ریشه دوانده بود. بدین سبب پذیرش تفسیری نو از آن از سوی مردم بسیار راحت بود. اسکاچپول در تحلیل انقلاب ایران همچنین به نقش رهبری و شبکه روحانیت، مساجد و انجمنهای اسلامی در ارائه و پذیرش تفسیری مکتبی از تشیع و تبیین استراتژی مبارزه با نظام شاهنشاهی، هر چند به صورت محدود اشاره می‌کند.

شرح و بسط نظریه اسکاچپول

آنچه تا بدین جا به آن پرداختیم بررسی اجمالی نظریه اولیه اسکاچپول درباره انقلاب و تجدید نظرهای بعدی وی در آن بود. در ادامه، بحث اسکاچپول درباره ایدئولوژی را شرح و بسط می‌دهیم و می‌کوشیم به چهار پرسش اصلی پاسخ دهیم:

- ۱- کدام عامل موجب ارائه تفسیری مکتبی از اسلام شد؟
- ۲- چه شد که این تفسیر تازه مورد قبول بخش بزرگی از جامعه ایران قرار گرفت؟
- ۳- کار ویژه‌های این اسلام مکتبی در انقلاب ایران چه بود؟
- ۴- امام خمینی (س) در انقلاب اسلامی ما چه نقشی ایفا کردند؟

عوامل ظهور تفسیر مکتبی

در پاسخ به پرسش نخست باید به دو دسته از عوامل توجه کرد:

الف - عوامل درونی:

- ۱- شیعه این توانایی بالقوه را در خود داشته است که به نحوی مکتبی تفسیر شود.
- ۲- سازماندهی و تمرکز تشکیلاتی که در روحانیت شیعی به وجود آمد این امکان را می‌داد که تفسیر تازه، به مراتب بیش از گذشته به سایر مراکز و بلاد نشر و انتقال یابد.
- ۳- عامل اجتهاد و تقلید از مجتهد زنده امر انتقال تفسیر تازه و مکتبی به پیروان و پذیرش آن را سهل‌تر می‌ساخت.
- ۴- استقلال مالی روحانیت شیعی امکان ارائه تفسیرهای غیر دولتی و حتی ضد دولتی را به آنها می‌داد.
- ۵- حضور علمای بزرگ در خارج از کشور (نجف) آنها را دور از دسترس سرکوب دولت مرکزی قرار می‌داد.

ب- عوامل بیرونی:

- ۱- از اوایل دهه ۱۳۴۰، مسأله اصلی برای جامعه ایران، غربزدگی و فساد و چگونگی از بین بردن این فساد بود. بدین ترتیب شرایط برای شکل‌گیری یک تفسیر خودی و پذیرش آن مساعد شده بود و افرادی در صدد برآمدن با ارائه تفسیر و تعبیری نواز «خود»، بیگانگی فرهنگی و تنش ایجاد شده را رفع کنند.
- ۲- ماهیت دولت پهلوی و خط مشی پهلویها در عرصه سیاسی و خصوصاً عرصه فرهنگی یا سیاستهایی چون رواج و گسترش غربزدگی، بی‌حجابی، گسترش فحشا و روابط آزاد بین زنان و مردان، تحقیر دینداری و غیره، تقریباً اکثریت علما را بر ضد آنان برانگیخت.
- ۳- عامل دیگری که طرح و پذیرش تفسیر نوینی از دین را تشویق می‌کرد، تجربه ناموفقی بود که از سایر آلترناتیوهای موجود (مارکسیسم، لیبرالیسم و ناسیونالیسم) به دست آمده بود.
- ۴- ظهور و گسترش طبقه متوسط جدید در تفسیر مکتبی از دین و پذیرش آن مؤثر بود.
- ۵- در جهان اسلام تفسیرها و تعبیرهای تازه‌ای (آرای مودودی، سید قطب، محمد عبده و غیره) در حال شکل‌گیری بود که به ظهور یک مکتب تفسیری در ایران کمک

می‌کرد.

۶- در رقابت با سایر ایدئولوژیها، شماری از علماء به تألیف کتبی مبادرت ورزیدند و این امر به پاسخهای دینی جدید و قرائت جدیدی از دین ختم می‌شد.

علل پذیرش تفسیر مکتبی

۱- شرایط عینی جامعه در پذیرش عمومی تفسیر مکتبی مؤثر بود. سیاستهای نوسازی شاه به يك نوع «جاکنی فرهنگی» انجامیده بود. شهر نشینی فزاینده، مهاجرت، افزایش ارتباطات، رشد طبقه متوسط جدید و غیره، به ظهور وضعیت آنومیک یا بی‌هنجاری منجر شده بود، به عبارت دیگر پیوندهای سنتی شکسته شده بود اما پیوندهای نو جای آن را پر نکرده بود. این وضعیت آنومیک و پیامدهای آن در کنار ساخت جوان جامعه، رواج فرهنگ غیر بومی و نابرابری گسترده در سطح جامعه زمینه را برای طرح و پذیرش يك تفسیری مکتبی از دین به منظور توضیح بی‌عدالتیهای موجود و ارائه راه حلی برای رفع آن مساعد می‌ساخت.

۲- در ایران نهادهای شیعی از دیرباز موجد هویت جمعی و هویت ملی بوده‌اند (نماز جماعت، دعای کمیل، سفره‌های نذری و ... مراسم عزاداری و سینه‌زنی، حج و ...) بنابراین در پذیرش تفسیر جدید بسیار مؤثر بوده است.

۳- شبکه ارتباطی و سازمانی روحانیت این امکان را می‌داد که تفسیر جدید به قشر گسترده‌ای از مردم منتقل شود.

کار ویژه‌های مکتب تشیع

۱- مکتب تشیع ساختار شناختی خاصی را ارائه کرد و منظومه‌ای به وجود آورد که اجزایش فارغ از تعارض یا ابهام یا ضدیت درونی با یکدیگر ارتباط منطقی داشتند.

۲- دومین کار ویژه ایدئولوژی تشیع تجویز يك سری شیوه‌نامه‌ها بود که تکلیف و وظیفه فرد را مشخص می‌کرد که فرد چه باید بکند و در مورد وضع موجود، دولت و سایرین چه موضعی باید اتخاذ کند.

۳- مکتب تشیع از طریق تفسیری که از شعائر دینی چون نماز، روزه و حج عرضه کرد

نوعی انسجام درونی و احساس تعلق و همبستگی اجتماعی بین افراد پدید آورد.
 ۴- در تفسیر مکتبی تشیع، طرح مسأله پاداش اخروی انگیزه لازم برای اقدامهای جمعی را ایجاد کرد. کارویژه دیگر ایدئولوژی تشیع، ایجاد وحدت بین رهبران بود.

در ایران تفسیر مکتبی به طور خاص سه کار ویژه مهم ایفا کرد:

۱- تسهیل مشارکت مردم، شیعه با طرح پاداش اخروی انگیزه افراد را برای مشارکت در فعالیتهای انقلابی و قبول مخاطرات تقویت کرد، مثلاً، تفسیر مکتبی در مقابل شهادت در راه حق و عدالت، رستگاری ابدی را تضمین می‌کرد. به علاوه این تفسیر به شورش علیه دولت ظالم، مشروعیت می‌بخشید.

۲- ایجاد نارضایتی در بین مردم، تفسیر مکتبی در به فعلیت در آوردن نارضایتیهای بالقوه و حتی ایجاد نارضایتی نقش بسیار مؤثری ایفا کرد.

۳- فراهم کردن تشکیلات بسیج منابع، روحانیت شیعی از شبکه ارتباطی گسترده خود در کنار مساجد و انجمنهای اسلامی در جهت ایجاد همکاریهایی که لازمه هرگونه عمل جمعی است بخوبی استفاده کرد.

امام خمینی (س) ایدئولوگ، معمار و دولت ساز

نقش رهبری را در سه بخش اصلی می‌توان بررسی کرد:

امام خمینی (س) با ارایه تفسیر جدیدی از حکومت اسلامی نقش مؤثری در تدوین قرائت مکتبی ایفا کردند. امام (س) معمار انقلاب بودند و در مورد استراتژیها و تاکتیکهای اصلی مبارزه با نظام شاهنشاهی تصمیم می‌گرفتند. سومین نقش امام (س) دولت سازی بود. ایشان گرچه به عنوان يك دولتمرد مستقیماً وارد ساخت دولت نشدند، اما در شکل گیری و ساخت دولت جمهوری اسلامی مرحله به مرحله نقش داشتند. امام خمینی (س) هر سه نوع اقتدار و مشروعیت (سنتی، کاریزماتیک و عقلانی) را با هم داشتند. از يك سو به سبب مقام مرجعیت از مشروعیت سنتی برخوردار بودند و از سوی دیگر مبارزات انقلابی و مواضع سازش ناپذیرشان در کنار ویژگیهای شخصیتی ایشان چهره‌ای کاریزماتیک به ایشان بخشیده بود. پس از پیروزی انقلاب نیز به واسطه استقرار نظام انتخاباتی، حضرت امام (س) از مشروعیت حقوقی و عقلانی برخوردار شدند.



پرویشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی